

## متن پرسش

سلام وقتتون بخیر و خسته نباشید استاد گرامی: استاد امروز داشتم فایل صوتی شما در مورد تفسیر سوره نساء فایل آفات تمناهای غیرلازم را گوش می‌دادم و اینکه حساب روی کارهای خدا بوده برای ما و جریان زندگی خودتون رو میفرمودن، تلنگری خوردم به زندگی خودم گفتم شاید با عنوانش برای دوستان سایت ایجاد امیدواری بشه در اونها و خیری در اون باشه ان شاءالله. بحث ازدواجم معضلی شده بود اونی که من می‌خواستم نمی‌شد و اونی که نمی‌خواستم می‌خواست محقق شه و کلافه شده بودم، از لحاظ عقیدتی هم فوق العاده آدم ضعیفی بودم که از دیانت فقط نماز و روزه سطحی رو داشتم و حجاب و پوشش افتضاح بود و خیلی مورد انتقاد اطرافیان قرار می‌گرفتم که این چه وضع آرایش و پوششه، غرق دنیا و تجملات و ظواهر اون بودم و فقط و فقط دنیا برام مهم و اصلا آخرت برام مهم نبود. می‌گفتم من دنیام به سامان باشه دیگه آخرت هر چی می‌خواد بشه حتی اگر برم جهنم مهم نیست، اعتقادات سطحی هم که داشتم داشت از دست می‌رفت، خیلی به خدا گله و شکایت داشتم و می‌گفتم توی اون دنیا که قراره حساب و کتاب بشیم، اول من باید از خدا حساب بکشم که این چه زندگیه که واسه من درست کردی و زندگی منو طلسم کردی و خدا شما باید حساب پس بدی به من کلا طلبکار بودم و خشمگین، تا اینکه وارد یک فضای خلوت و تفکر و تنهایی شدم نمی‌دونم چی شد معجزه بود چی بود. تلنگر شدیدی خوردم زندگی و عقاید من ۱۸۰ درجه متحول شد. شدم یه آدم کاملا متفاوت با قبل، نماز اول وقت ترک نمی‌شد، تهجد و نماز شب مستمر، حساب و کتاب روزه و نماز قضا رو کردم و حدودا یک سال تمام من روزه بودم به جز روزهای خاص که نمی‌شد روزه گرفت، نمازهای قضا رو خوندم، رد مظالم و حق ناس و این جور برنامه ها، پوشش هم شد چادر، حالا از این طرف بهم انتقاد میکنن که ای بابا دین هم اینقدر سخت نمیگیره که تو سخت می‌گیری و خودتون اینجوری می‌پوشونی، منی که عاشق دنیا بودم، شدم عاشق و شیفته خدا و قیامت، از عشق خدا و نماز شب، شب خوابم نمی‌برد، می‌گفتم من این دنیا رو نمی‌خوام فقط خدا و اون دنیا، واسم مضحک میومد که چرا مردم اینقدر حرص دنیا رو میزنن، آخه این دنیا چی داره که چسبیدین بهش، برین عاشق خدا بشین میفهمین آرامش چیه خوشبختی چیه، اگر قرار بود خواستگار بیاد عزا می‌گرفتم و گریه می‌کردم که اینا میخوان منو از خدا جدا کنن من نمی‌خوام فکرم قلبم درگیر کسی جز خدا باشه من اصلا نمیتونم کسی رو جز خدا دوس داشته باشم. غرق عشق بازی با خدا بودم هر جایی که بودم حتی توی جمع که نشسته بودم فقط جسمم اونجا بود و روحم پیش خدا و در دل با خدا نجوا می‌کردم، حالا چند سالی از این موضوع گذشته و بنده همچنان مجردم، اما اصلا از این وضع ناراحت

نیستم و نه تنها ناراحت نیستم بلکه خدارو شکر می‌کنم چون اگر توی این وضع و با اون سلیقه ازدواج می‌کردم توی منجلاب غرق بودم و هلاکتم حتمی بود، میگم خدایا اگر واسه فقط همین نعمت یعنی هدایت و بیداری که نصیب کردی تا ابد هم شکر کنم بازم کمه، خدایا من راضی ام به رضای تو، اگر مجردی صلاح منه سمعا و طاعتا و اگر متأهلی بازم راضی ام به رضای تو، تو فقط منو دوس داشته باش و از من راضی باش و منو کمک کن اون بنده موحدی که تو میخوای بشم دیگه هیچی برام مهم نیست و هیچی نمیخوام فقط تو رو داشته باشم. ببخشید که خیلی طولانی شد، احساس کردم شاید گفتنش خالی از فایده نباشه برای کاربرای دیگه، خدا بهتون سلامتی و طول عمر و قرب مطلق و همیشگی بده استاد بزرگوار.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! در این مورد خطاب جناب مولوی به چنین روح‌هایی را داریم که می‌فرماید:

عاشق شده ای، ای دل سودات مبارک باد... از جا و مکان رستی، آنجات مبارک باد

از هر دو جهان بگذر تنها زن و تنها خور... تا ملک و ملک گویند، تنهات مبارک باد

ای پیشرو مردی، امروز تو برخورداری... ای زاهد فردایی فردات مبارک باد

کفرت همگی دین شد تلخت همه شیرین شد... حلوا شده ای کلی حلوات مبارک باد

در خانقه سینه غوغاست فقیران را... ای سینه بی‌کینه غوغات مبارک باد

این دیده دل دیده اشکی بد و دریا شد... دریاش همی گوید دریات مبارک باد

ای عاشق پنهانی آن یار قرینت باد... ای طالب بالایی بالات مبارک باد

ای جان پسندیده جوییده و کوشیده... پرهات بروییده پرهات مبارک باد

خامش کن و پنهان کن بازار نکو کردی... کالای عجب بردی کالات مبارک باد

با همه این حرف‌ها در مورد ازدواج، نباید سخت‌گیری کرد. همین‌که طرف مقید به رعایت واجبات و ترک محرّمات باشد، کافی است. موفق باشید